



«در سال ۶۵ نامه‌ای به صورت دست‌نویس و دستی برای میرحسین نوشتیم و استدلال کردم که نمی‌توانیم جنگ را ادامه دهیم. به او نوشتیم: «ما درواه پیش رو داریم یا جنگ را تمام و نظام را حفظ کنیم یا اینکه جنگ را با اهدافی که تعریف کرده‌ایم ادامه دهیم که نتیجه آن فروپاشی جمهوری اسلامی و قهرمانانه کنار رفتن است. البته معلوم نیست این کنار رفتن قهرمانانه باشد.» این نامه را به میرحسین دادم. او نیز این نامه را به دست هاشمی رساند. گویا بعد از ارائه این نامه به میرحسین، وی استعفا می‌دهد؟ نه، میرحسین سال ۶۵ استعفا نداد. در سال ۶۷ استعفا داد.

● **دلیل استعفای میرحسین در سال ۶۷ چه بود؟**
دلایل استعفا را آقای موسوی در نامه‌ای که همان زمان در روزنامه جمهوری اسلامی نیز منتشر شد شرح داده است. اما عمده دلیل وی برای استعفا این بود که در کشور از چند کانال مانند آقای هاشمی رئیس مجلس، وزارت خارجه و... با آمریکا مذاکره می‌شود اما ایشان به عنوان رئیس دولت در جریان نبودند. البته بعد از این استعفا، امام بشدت ناراحت شده و آن برخورد شدیدی را می‌کنند که پیام ایشان در صدا و سیما منتشر شد و دستور بازگشت نخست‌وزیر به کار به دلیل شرایط خاص جنگ را صادر می‌کنند که نخست‌وزیر هم همین کار را انجام می‌دهد.

تورم جنگ هیچ‌گاه به تعدیل اقتصادی نرسید

علیرغم کسری بودجه ۵۰ درصدی، نرخ تورم ما در سال ۶۷ کمتر از ۲۸ درصد بود و هیچ وقت در طول دوران جنگ به نرخ ۴۹ درصد که در سال ۷۴ و در برنامه تعدیل اقتصادی تجربه کردیم، نزدیک هم نشدیم. اوج مشکلات اقتصادی در تولید ناخالص داخلی، تورم و ضریب جینی و بهره‌مندی مردم از امکانات را در آن گزارش مشروح نوشتیم. با اینکه تولید ناخالص داخلی ما در آن سال‌ها پایین بود اما به دلیل سیستم سهمیه‌بندی مناسب مواد غذایی، توجه لازم به وضعیت تغذیه، بهداشت عامه و امکانات بهره‌گیری از تأمین مالی بویژه مالی خرد و نیز آموزش، این بهره‌مندی‌ها عادلانه تر بود. ضریب جینی نیز یعنی شکاف درآمدی فقیر و غنی کاهش یافت

زمان حافظ اسد رئیس‌جمهور سوریه و دیگران... پیشنهاد کرده بود تا به عنوان میانجی وارد شود. نهایتاً در آن جلسه قرار شد از طریق سازمان ملل و خاور پرز دکوثیار دبیرکل آن سازمان پذیرش قطعنامه مطرح شود. سپس حاضران تصمیم گرفتند، این مسأله تا فردا علنی نشود تا اینکه ساعت ۲ بعد از ظهر فردا، موضوع در رسانه‌ها اعلام شد.

- **گفتید فرماندهان نظامی کشور نیز نامه‌ای از اوضاع تهیه کرده بودند. شما نامه فرماندهان نظامی بخصوص نامه فرمانده سپاه را دیدید؟**

چون از متن نامه خبر ندارم نمی‌توانم قضاوت کنم. امام (ره) در نامه‌ای به وزرا و نمایندگان مجلس اشاره به نامه فرمانده سپاه می‌کند. فرمانده سپاه در نامه‌اش صرفاً امکانات مورد نیاز برای پیروزی در دفاع مقدس به همراه شروطی را شرح داده بود.

- **شما وضعیت اقتصاد ایران در زمان جنگ را مناسب می‌دانستید؟**

من وضعیت اقتصادی ایران در زمان جنگ را، با وضعیت اقتصادی آلمان یا سایر کشورها در زمان جنگ، مقایسه می‌کردم. مرحوم پدرم بارها برایم از بلایا و مصایبی که در دوران جنگ کرده‌اند. این اشتباه است که شما شرایط زمان جنگ را با شرایط زمان صلح مقایسه کنید. حتی عده‌ای بی‌انصاف آمارها و شاخص‌های اقتصادی زمان جنگ را با شاخص‌های اقتصادی کشور در زمان صلح مقایسه کرده و از رشد منفی تولید ناخالص داخلی در زمان جنگ انتقاد می‌کنند و توقع دارند تولید ناخالص داخلی کشور در زمان بمباران تهران و سایر شهرها و کارخانجات و نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌ها و نفت‌کش‌ها نیز مثبت باشد.

- **روغنی زنجانی هم استعفا می‌دهد؟**
بله. موسوی در نامه‌اش اعلام می‌کند که آقای روغنی زنجانی استعفا کرده است. به یاد دارم در همان جلسه تاریخی به مناسبت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ که من هم حضور داشتم آقای روغنی زنجانی در همان جلسه طی یادداشت مکتوبی به صورت دستی به موسوی پیشنهاد می‌کند بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸ بهتر است استعفا بدهید.

- **در همان جلسه‌ای که همه حضور دارند؟**

بله، جلسه‌ای که با حضور رؤسای قوا، فرماندهان نظامی، نخست‌وزیر، برخی از بزرگان، ائمه جمعه، حاج احمد آقا، وزرای امور خارجه، اقتصاد و دفاع و... در دفتر ریاست جمهوری به ریاست حضرت آقا برگزار شد. حاج احمد آقا در آن جلسه نامه حضرت امام(ره) را قرائت فرمودند. مسئولان مختلف نظامی گزارش دادند و من هم در گزارشی شاخص‌های اقتصادی کشور را اعلام کردم. آقای زنجانی و آقای قاسمی به عنوان رئیس کل بانک مرکزی گزارشات خود را ارائه کردند. وقتی حاج احمد آقا، نامه امام را خواندند، بسیاری از افراد حاضر در جلسه متأثر نشدند. به هر حال امام(ره) در آن نامه مشهور شخصاً مسئولیت این کار را پذیرفته بودند. علاوه براین در آن جلسه قرار بود میانجی‌این کار نیز تعیین شود. آن

- **نگاه اعضای کابینه درباره پایان جنگ چه بود؟ یکی از اعضای کابینه می‌گوید: پشت اتاق هیأت دولت اتاق کوچکی بود که وزرا بعد از جلسات دولت برای استراحت، نوشیدن چای یا کشیدن سیگار به آنجا می‌رفتند. با اینکه در جلسات علنی می‌گفتند: «باید بیسیجی وار جنگید و تا آخر دفاع را ادامه داد.» اما در آن اتاق وقتی تنها می‌شدیم و جلسه حالت غیررسمی داشت همه می‌گفتند: «بس است، باید جنگ را تمام کنیم.»**

شاید اینها گروه خاصی بودند اما وقتی من به آن اتاق می‌رفتم خبری از این حرف‌ها نبود. یادم هست آقای سرحدی زاده که انسان شریف و همفکر ما بودند، بیشتر به آن اتاق تردد داشتند. من هم هر وقت می‌خواستم تلفن بزنم یا چای بنوشم به آن اتاق می‌رفتم. آن اتاق جای بحث‌های جدی نبود و معمولاً همزمان با جلسه به آن اتاق رفت و آمد می‌شد. اعضای دولت عموماً این دوگانگی‌ها را نداشتند. این مطالب صحت ندارد و توهین به دولت است.

- **موضع بهزاد نبوی درباره پایان جنگ چه بود؟**

نظررسمی خاصی اظهار نمی‌کرد. یعنی موضع یا نظری داشته باشد که بخواهد در هیأت دولت به آن معروف باشد وجود نداشت. امروز با گذشت زمان عده‌ای این ادعاها را مطرح می‌کنند که در زمان جنگ چنین نظراتی بوده شاید به دلایلی من جمله ترس از روحیه حماسی مردم و سایر مسئولان دیدگاه‌های خود را مطرح نمی‌کردند. اما واقعیت این است که افکار و انرژی اعضای دولت بیشتر به دنبال راهکارها و حل مسائل بود. ولی حالا ممکن است کسی نظر خود را به عنوان نظر ایشان مطرح کند این سؤال باید از خود آقای نبوی پرسیده شود.

- **گویا محسن رضایی فرمانده سپاه و رئیس ستاد مشترک ارتش می‌گوید: «از لحاظ اقتصادی نمی‌توانیم جنگ را ادامه دهیم.»**

تاکنون نشنیدم آقای محسن رضایی چنین حرفی زده باشد. فکر می‌کنم منظورش بیشتر حوزه نظامی بوده است. بدون شک او از محدودیت‌های اقتصادی طبیعتاً آگاهی کامل نداشت. ولی من به عنوان مسئول وزارت اقتصاد تمام تلاشم این بود تا با حساسیت به تخصیص منابع کشور در جهت حمایت از تولید، اقتصاد جنگ را حفظ کنم. در تخصیص ارز دفاع با توجه به امکانات محدود اولویت قائل بودیم و اینکه بگوییم حوزه اقتصاد موجب توقف شد دور از انصاف است. البته فراموش نکنیم که در این جنگ نابرابر تمام دنیا در مقابل ایران صف آرایی کرده بود و شرایط بسیار پایانی دفاع مقدس محاصره تمام عیار اقتصاد ایران بود.

- **اگر اشتباه نکنم مسعود نیلی یا روغنی زنجانی درباره نظر میرحسین موسوی نسبت به پایان جنگ می‌گویند؛ وی خواهان توقف جنگ بود.**

من چنین برداشتی نداشتم. به هر حال من نیز در همه جلسات دولت حضور داشتم و روابط صمیمانه‌ای با میرحسین داشتم. اما هیچ وقت حتی در جلسات خصوصی دو نفره نیز چنین اظهار یا برداشتی از حرف‌های وی نکردم. یک بار وقتی در کرمانشاه، دشمن پناهگاه جمعی را بمباران کرد، موسوی بلافاصله بعد از این ماجرا شخصاً به فرماندار آنجا زنگ زد و گفت: «هر کمکی از دولت می‌خواهی سریعاً اعلام کن، دولت با تمام قدرت خود در خدمت شهر هست». به هر حال مسئولین شهر وقتی حمایت و حساسیت رئیس دولت نسبت به مسائل را می‌دیدند روحیه می‌گرفتند و از دردهای آنها کاسته می‌شد.

- **نگاه اعضای کابینه درباره پایان جنگ چه بود؟ یکی از اعضای کابینه می‌گوید: پشت اتاق هیأت دولت اتاق کوچکی بود که وزرا بعد از جلسات دولت برای استراحت، نوشیدن چای یا کشیدن سیگار به آنجا می‌رفتند. با اینکه در جلسات علنی می‌گفتند: «باید بیسیجی وار جنگید و تا آخر دفاع را ادامه داد.» اما در آن اتاق وقتی تنها می‌شدیم و جلسه حالت غیررسمی داشت همه می‌گفتند: «بس است، باید جنگ را تمام کنیم.»**



روغنی زنجانی در خاطراتش می‌گوید:

«در سال ۶۵ نامه‌ای به صورت دست‌نویس و دستی برای میرحسین نوشتم و استدلال کردم که نمی‌توانیم جنگ را ادامه دهیم.

به او نوشتم: «ما درواه پیش رو داریم یا جنگ را تمام و نظام را حفظ کنیم یا اینکه جنگ را با اهدافی که تعریف کرده‌ایم ادامه دهیم که نتیجه آن فروپاشی جمهوری اسلامی و قهرمانانه کنار رفتن است. البته معلوم نیست این کنار رفتن قهرمانانه باشد.» این نامه را به میرحسین دادم. او نیز این نامه را به دست هاشمی رساند. گویا بعد از ارائه این نامه به میرحسین، وی استعفا می‌دهد؟

شده است. ضمن اینکه همه این مسائل در قانون سالانه بودجه چاپ و توزیع می‌شود اما اینکه چقدر از این درآمدها محقق شده، مهم است. بودجه دفاعی در سال شصت و پنج ۱۷٫۵ درصد بودجه ارزی مصوب کل کشور بود، اما بیش از ۸۰ درصد مصارف ارزی مستقیم و غیرمستقیم به دفاع تخصیص و پرداخت شد. در همان همایش وقتی توضیح دادم فرماندهان نظامی تعجب کردند. نکته این است که بودجه دفاعی مستقیم و غیرمستقیم بود، فرضاً آرز بخشی از صنایع که در جهت تدارکات نظامی و تجهیزات به صنعت داده می‌شد جزو بودجه دفاعی بود و برای آن منظور خاص تخصیص داده می‌شد که این جزئیات در کتاب بودجه نیست و ممکن است موجب نتیجه‌گیری اشتباه شده باشد.

- **نظر هاشمی در مورد ادامه جنگ چه بود؟**

من از نظروی خبری ندارم. او معمولاً پیچیده عمل می‌کرد.

- **عده‌ای می‌گویند هاشمی جنگ را تمام کرد تا به قدرت برسد. شما این را قبول دارید؟ حتی جایی می‌خواندم که مرحوم نوربخش درباره آن سال‌ها می‌گوید: در تدوین برنامه اول، هاشمی به‌شدت پیگیر بود. گویا می‌دانست قرار است رئیس‌جمهور شود.**

معلوم بود هاشمی رئیس‌جمهور خواهد شد.

- **از کجا معلوم بود؟**
به هر حال وقتی در بازنگری قانون اساسی به منظور جلوگیری از موازی‌کاری‌های اجرایی، هاشمی پیگیر حذف سمت نخست‌وزیری بود موضوع ریاست جمهوری هاشمی مطرح می‌شد. به یاد دارم در یکی از روزهای تعطیل در سال ۱۳۶۶ مجلس جلسه‌ای غیرعلنی در مورد استقراض تشکیل داد. آقای هاشمی وقتی در مجلس حضور داشت بشدت دنبال استقراض بود که اقتصاد رونق بگیرد و موضوع ریاست جمهوری ایشان هم مطرح بود. یاد هست در همان جلسه یکی از نمایندگان معروف مجلس در گوش من گفت: «ایروانی، هاشمی می‌خواهد رئیس‌جمهور شود. با استقراض مخالفت کنی، باید قید حضور در کابینه‌اش را بزنی.» آقای دکتر راه‌چمنی به‌رغم اینکه دیدگاه من درباره مخالفت با استقراض را می‌دانست باز هم به من گفت: «آبروی ما را نبری، نظر تو خیلی مهم است، با استقراض مخالفت کن.» من پس از ذقایتی پشت‌تربون رفتم و با استدلال‌هایی که داشتم خیلی محکم با استقراض خارجی مخالفت کردم. من معتقد بودم: همین استقراض‌ها زوری پاشنه آشیل نه تنها اقتصاد بلکه کلیت نظام خواهد شد؛ اتفاقی که برای برزیل روی داد و به‌رغم رژیم دست‌نشانده آمریکا و اقتصاد باز، باز هم بدهی‌های انبوه خارجی اقتصاد آنها را به افق‌ضاح کشاند و نظام حکومتی زیر و رو شد. لولا داسیلوا که یک کارگر بود رئیس‌جمهور شد. هر چقدر هم امریکایی‌ها و سیا تلاش و خرج کردند که داسیلوا و همفکرانش سر کار نیابند، موفق نشدند. جالب است که لولا داسیلوا با شعار انتخاباتی «من قول می‌دهم هر برزیلی روزی سه وعده غذا خواهد

- **نظرم بر این است که در زمان جنگ ما در سال ۶۷ کمتر از ۲۸ درصد بود و هیچ وقت در طول دوران جنگ به نرخ ۴۹ درصد که در سال ۷۴ و در برنامه تعدیل اقتصادی تجربه کردیم، نزدیک هم نشدیم. اوج مشکلات اقتصادی در تولید ناخالص داخلی، تورم و ضریب جینی و بهره‌مندی مردم از امکانات را در آن گزارش مشروح نوشتیم. با اینکه تولید ناخالص داخلی ما در آن سال‌ها پایین بود اما به دلیل سیستم سهمیه‌بندی مناسب مواد غذایی، توجه لازم به وضعیت تغذیه، بهداشت عامه و امکانات بهره‌گیری از تأمین مالی بویژه مالی خرد و نیز آموزش، این بهره‌مندی‌ها عادلانه تر بود. ضریب جینی نیز یعنی شکاف درآمدی فقیر و غنی کاهش یافت**

منفی تولید ناخالص داخلی در زمان جنگ انتقاد می‌کنند.

- **بی‌انصافی در مقایسه آمار زمان جنگ و صلح**

بی‌انصافی در مقایسه آمار زمان جنگ و صلح

من وضعیت اقتصادی ایران در زمان جنگ را، با وضعیت اقتصادی آلمان یا سایر کشورها در زمان جنگ، مقایسه می‌کردم. مرحوم پدرم بارها برایم از بلایا و مصایبی که در دوران جنگ جهانی دوم بر سر کشورمان آمد تعریف کرده‌اند. این اشتباه است که شما شرایط زمان جنگ را با شرایط زمان صلح مقایسه کنید. حتی عده‌ای بی‌انصاف آمارها و شاخص‌های اقتصادی زمان جنگ را با شاخص‌های اقتصادی کشور در زمان صلح مقایسه کرده و از رشد منفی تولید ناخالص داخلی در زمان جنگ انتقاد می‌کنند.

خورد؛ صبحانه، ناهار و شام» با همین شعار هم قاطعانه دو دوره متوالی هفت ساله رئیس‌جمهور شد. بعد از آن نیز رئیس‌دفتر وی در انتخابات پیروز شد. یعنی این همه سرمایه‌گذاری خارجی امریکایی‌ها و انبوه وام‌های خارجی چیزی جز فقر و نکبت به ارمغان نیاورد و در نهایت این تفکر منجر به روی کار آمدن یک جنبش کارگری کاملاً چپ در یکی از اعمار مشهور امریکا شد، در حالی که پیشرفت خود را از طریق رشد فقرزدا دنبال می‌کند.

- **اجازه دهید به جنگ برگردیم. شما می‌گویید دولت با جنگ همراهی می‌کرد، اما عده‌ای از نظامی‌ها از حمایت‌های مالی دولت رضایت نداشتند. چرا؟**

درباره بودجه جنگ همان‌طور که گفتیم این بودجه هرگز کاهش پیدا نکرد. نظامی‌ها نیز از واقعیت‌های بودجه و مسائل اقتصادی مطلع نبودند. به هر حال مشکلات اقتصادی وجود داشت اما ما علناً در بوق و کرنا نمی‌کردیم که درآمدها کم شده و وضع مالی مشکل دارد. از آنجا که وزارت اقتصاد مسئول کمیته تخصیص ارز بود، حتی یک بار که من در رادیو درباره وضعیت ارزی کشور صحبت کردم، برای یکی از وزرا سوءتفاهمی پیش آمد. به من گفت: «ایروانی در رادیو داشتی در مورد منابع ارزی صحبت می‌کردی، پس چرا تخصیص‌های ما را نمی‌دهی!» و به خاطر عدم تخصیص ارزها با من اوقات تلخی کرد. گفتیم: «آقا جان تا به حال یک کلمه دروغ نگفته‌ام، اما فقط طلبکاری‌هایمان از فرانسه

بابت پول‌های پرداختی انرژی اتمی، اروگوئه، مصر، لهستان، پاکستان، اردن و... را برشمردم. این به آن معنا نیست که این کشورها بدهی‌های خود را پرداخت کرده‌اند. من در فضایی که دشمن سعی می‌کند اینطور القا کند که ایرانی‌ها قادر به مقاومت نیستند و منابع‌شان ته کشیده است نباید گله و شکایت کنم، گفتیم مطالباتمان را پیگیری می‌کنیم.» با این حال برای یک وزیر عضو کابینه هم این شائبه ایجاد می‌شد.

بدیهی است، برای کسی که از بیرون نگاه می‌کند این مسأله ایجاد می‌شود که شاید درآمدها خیلی زیاد است. چون کتاب قانون بودجه چاپ می‌شود و به‌طور علنی همه آن را می‌بینند در حالی که بودجه به معنای پیش‌بینی درآمدها است. در حالی که ما در عمل و طبق قانون بودجه در حد وصول این درآمدها می‌توانیم تخصیص منابع دهیم. اما وقتی این درآمدها محقق نمی‌شد روش ما این نبود که ما با داد و فریاد این مسأله را علنی کنیم. در عین حال این گمان ایجاد می‌شد که بودجه به برخی بخش‌ها تخصیص نمی‌یابد. دشمنان ما امروز نیز سعی می‌کنند با جنگ نرم کشورها را زمین‌بزند. همین الان در کنفرانس بنسای بیلدر برگ سیاه‌نمایی راجع به آمارهای اقتصادی ایران و نفوذ و بدنه تصمیم‌سازی ایران، دو محور مهم در مصوبات آنها است و متأسفانه در ایران نیز عده‌ای ناآگاهانه در راستای همان دستور کار، حرف‌ها و سیاه‌نمایی‌های آنها را تکرار می‌کنند. به هر ترتیب همواره کالای اساسی و هزینه‌های دفاعی در صدر اولویت‌های تخصیصی عملی منابع و پرداخت در خزانه در زمان جنگ بود.